هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

ندیده گرفتن خواست های قانونی شورای ملی از سوی حکومت توهین به رای وخواست مردم و موجب تضعیف نظام است

ص۲

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

به مناسبت حوادث تشنج زا در روابط افغانستان و ایران

ص۴

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ هشتم ۸ جوزای ۱۳۸۹ ۱۵جمادی الاخر ۱۴۳۱ - 29May 2010

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت حوادث تشنج آور روابط افغانستان و ایران

کابل و برخی از شهرهای افغانستان در اوایل ماه ثور، شاهد حوادثی تشنج زا در روابط افغانستان وایران بود. دسته هایی در کابل و ننگرهار برضد جمهوری اسلامی ایران دست به تظاهرات و اعتراض زدند و به شخصیت های سیاسی و مذهبی اهانت و پرچم جمهوری اسلامی ایران را لگدمال کردند.

این حوادث زمانی به وقوع پیوست که جمهوری اسلامی ایران به محاکمه و اعدام چند تن از شهروندان افغانستان مقیم ایران به جرم ارتکاب قاچاق مواد مخدر و جرایم دیگر دست زد.

گفته می شود هم اکنون بیش از سه میلیون شهروند افغانستان در جمهوری اسلامی ایران به گونهٔ قانونی و غیرقانونی زندگی می کنند و از آن جمله بیش از چهارهزار نفر به اتهام های ارتکاب اعمال خلاف قانون در زندان های ایران به سر می برند.

ص ۸

جمعیت اسلامی افغانستان

وآماده گی برای برگزاری کنگره یا مجمع عمومی

جمعیت اسلامی افغانستان به حیث یک حزب سیاسی شناخته شده وبزرگ، در مورد خود کمتر گفته است. جمعیت همواره به هدف ومرام توجه بیشتر کرده و از بزرگ نمایی، پرهیز نموده است. جمعیت در سالهای جهاد که بیش از گروه های دیگر مجاهدین، رسالتِ تاریخی ومیهنی جهاد را به دوش می کشید، هرگز به علت ایجاد جبهات وسیع وسراسری، خود نمایی نکرده وبرای بدست آوردن مقام، تلاش نداشته است. اتحادها وائتلاف ها از سال های جهاد تا امروز شاهد این واقعیت است.

یکی از شکایت ها وحتی ایرادهایی



که برخی از اعضا وهوداران جمعیت دارند این است که چرا اخبار فعالیت های خویش را منعکس نمی سازیم حتی این اخبار در هفته نامهٔ مجاهد بصورت تبلیغاتی منتشر نمی شود.

چرا خبرهای جمعیت به رسانه ها کمتر داده می شود وحتی اعضای جمعیت از خبرهای مهم آن بی اطلاع می باشند! چرا تشکیلات مرکزی و محلی ما به صُورت منظم وسازمان یافته فعالیت ندارد وچرا سلسلهٔ مراتب رعایت نمی گردد؟ چرا افراد مهم وشناخته شدهٔ جمعیت در مسایل مهم سیاسی طبق تمایلات خود موضوع گیری می کنند

ص ۶

معضل کوچی گری در کشور و خطر های ناشی از ان

ص ۵

په لغمان کې د افغانستان د اسلامي جمعیت دفتر پرانستل شو



ص۲

جرگه مشورتی صلح

چالش ها ودست آوردها



فصل جنگ

ص۶

د ولسي جرګې راتلونکي ټاکنې او شفافیت يې، د هلو او ګوابنونو ترمینځه

ن – شفیق

په داسي حال کې چې د ټاکنو خپلواک کمیسیون. د ولسي جرګې د راتلونکو ټاکنو لپاره خپلې لومړنی. دندې ترسره کول پیل کړي دي او د اعلان شوې نیټې په رڼا کې یې – چې د سنبلې په اوه ویشتمه نیټه به ترسره کیږي . د کاندیدانو د نومونو ثبتونو پروسه آغاز کړې او یدې لړکې د کاندیدانو لومړنی لسټ هم د دغه کمیسیون له ولایتي دفترونو څخه خپور شوی. لاراوسه هم هغه



نانندری بې څوابه پاتې دي چې د ټاکنو د نوي قانون پرخلاف د ولسي جرګې استازو پیل کړې وې او د ټاکنو د نوي قانون حقوقي حیثیت یې چیلنج کولو. چې لاملـه یې بنایي ډېرو کاندیدو ته لیوالو شخصیتونو خپله نوم ثبتونه هم ځنډولي وي.

اوس چې لومړني لستونه خپاره شوي دي او په دې هکله لومړني کارونه او اقدامات ترسره شوي دي. نو باقی ۷ مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

ندیده گرفتن خواست های قانونی شورای ملی از سوی حکومت توهین به رای وخواست مردم و موجب تضعیف نظام است

دولت آقای کرزی تا هنوز اقدام های فراوانی در مخالفت وتناقض با قوانین کشور وحتی قانون اساسی انجام داده است، یکی از این مخالفت ها، عدم تعیین وزیران باقی مانده کابینه ومعرفی آن ها جهت اخذ رای اعتماد به مجلس نمایندگان است. برطبق تصویب مجلس نمایندگان که حیثیت قانون را گرفته است. ادامهٔ کار سرپرست های وزارت نباید بیشتر از یک ماه باشد، اما اکنون بیش از ده وزارت بدون وزیر بوده ومدت چندین ماه می شود تحت سرپرستی قرار دارند. در این میان تقاضاها وضرب الاجل های تعیین شده از سوی مجلس نمایندگان با بی توجهی رئیس جمهور روبرو شده است. در آخرین روز چهارشنبه ۲۹ ثور مجلس نمایندگان یک ضرب الاجل دو روز برای حکومت تعیین نمود تا در این فرصت وزیران باقی مانده جهت اخذ رای اعتماد به آن مجلس معرفی شود، اما در واکنش به این ضرب الاجل یکی از سخنگویان آقای کرزی مهلت دو روزه را ناکافی خوانده گفته است، تعیین وزرا کار مهمی است که نیازمند وقت بیشتر می باشد. این سخنگو فراموش کرده است که آقای کرزی چندین ماه فرصت داشت تا وزرای باقی مانده را تعین ومعرفی نماید، اما همهٔ این فرصت ها را ضایع نموده واقدام به معرفی اعضای باقی ماندهٔ کابینه نکرده است.

بی اعتنایی به نهاد قانون گذار کشور مردم را بیش از پیش نسبت به دولت بی باور می سازد.

قانون گریزی های قوهٔ اجرائیه به هیچ صورت بسود حاکمیت باثبات ونهادینه شدن اصول وارزشهای دموکراسی در کشور نخواهد بود، اگر رئیس جمهور ویا همکاران وی گمان می کنند با تضعیف نهاد منتخب شورای ملی، مواضع خود را تحکیم می کنند وقدرت شان را افزایش می دهند، دچار اشتباه گردیده اند، چنین کاری به تضعیف بیشتر نهاد دولت در افغانستان انجامیده، فساد رو به گسترش در دستگاه حکومت را ریشه دار تر می سازد وبه کارایی واعتبار آن شدیداً آسیب می رساند.

دراین میان رئیس جمهور و حکومت نیز با پی آمدهای منفی تضعیف نظام روبرو خواهد شد. بنا براین لازم است حکومت به خواسته های قانونی و برحق نمایندگان مردم که خواستهٔ ملت افغانستان است احترام بگذارد و برای موثریت حکومت وزرای باقی مانده را جهت اخذ رأی اعتماد به شورای ملی معرفی نماید. از جانب دیگر حکومت باید به سخنگویان خویش امر نماید تا درک کنند که تعیین کابینه واحترام به قوانین وظیفهٔ عمده واولویت اصلی حکومت می باشد، نباید این وظیفهٔ اصلی را به بهانه سفرهای خارجی که دست اوردهای آن هم برای مردم روشن نیست، کنار نهد.

جرگه مشورتی صلح

چالش ها ودست آوردها

احمد صمدی

قراراست جرگه مشورتی صلح به تاریخ ۱۲ جوزا در خیمهٔ لوی جرگه درکابل آغاز به کارنماید وسه روز ادامه یابد. این جرگه که قرار بود درهشت ثور برگزارگردد، تا به کنون دو بار به تأخیر افتیده است، کار گزاران این جرگه علت این تأخیر را بیشتر مسایل تخنیکی عنوان نموده بودند، اما صاحب نظران علت آن را چالش های متعددی می دانند که در برابر جرگهٔ مذکور قرار گرفته است.

حامیان بین المللی افغانستان علاقمندی برای برگزاری این جرگه نشان نمی دهند، از دید امریکا اکنون زمان مناسب مذاکره ومصالحه با طالبان فرا نرسیده است. آنها عقیده دارند زمانی باید در مذاکره وصلح با طالبان گشوده شود که این گروه تحت حملات شدید ناتو تضعیف گردد وچارهٔ جز مذاکره وصلح نداشته باشد، دراین صورت طالبان ناگزیر خواهند شد، شروط دولت افغانستان را بپذیرند وبه مفاد قانون اساسی گردن نهند.

یکی از هدف های آقای کرزی در سفر اخیرش به امریکا این بود که حمایت امریکاییان را در مورد برگزاری جرگه ومذاکره باطالبان جلب نماید، آن چنان که گفته شده است آقای کرزی تا اندازهٔ حمایت امریکا را دراین زمینه بدست آورده است، اما تا کنون پرسش های زیادی نزد امریکاییان وکشورهای اروپایی در این مورد وجود دارد.

رویا روی مجلس نمایندگان وحکومت که ظاهراً روی موضوع معرفی وزرای باقی ماندهٔ کابینه به میان آمده است، اعتبار قانونی جرگه مشورتی را زیر سوال برده است.

نمایندگان تهدید کرده اند درصورتی که حکومت به خواست آنان یعنی معرفی وزرای باقی مانده اقدام عملی انجام ندهد، درجرگه مشورتی حضور نخواهند یافت. در صورتی که نمایندگان مردم دراین جرگه شرکت نکنند، اعتبار حقوقی آن شدیداً آسیب خواهد دید، بدون شک حکومت اهمیت این موضوع را درک می کند و احتمالادر آخرین فرصت یا به خواست نمایندگان تن داده و وزرا را معرفی خواهد کرد ویا این که، با استفاده از کارت های قومی وسیاسی در میان نمایندگان اختلاف ایجاد نموده وموضع مجلس را تضعیف خواهد کرد.، تجربه گویای آن است که گرایش های قومی ویا رشوه ستانی شماری از نمایندگان را از پیگری مسایل کلان ملی باز می دارد وبه حمایت سیاست های غیر قانونی حکومت متمایل می سازد.

نزاع میان کوچی ها وساکنان مناطق مرکزی برسر چراگاه ها نیز چالش دیگری دربرابر جرگه است، آن چنان که اعضای هزاره وشیعهٔ مجلس تهدید نمودند درصورتی که کوچی ها از مناطق هزاره نشین عقب نروند، آنها درجرگه شرکت نمی کنند ویا در صورت شرکت موضوع یورش مسلحانه کوچی ها به مناطق هزاره نشین را درجرگه مطرح خواهند کرد، چنین اقدامی می تواند فشار شدیدی برحکومت وکار گزاران این جرگه وارد سازد.

اما رئیس جمهور مهارت های زیادی در تعامل وتطمیع برخی نمایندگان هزاره که از متحدان وی هستند کسب نموده است، ممکن است این گروه از نمایندگان بر اثر وعده وامتیاز دادن های حکومت جا خالی کنند واز صحنه کنار روند.

امنیت در کابل در روزهای برگزاری جرگه چالش دیگری است. طالبان درحملات اخیر خویش برمیدان هوایی بگرام ومیدان هوای قندهار، عمده ترین پایگاه های نظامی امریکا به اثبات رساندند که هیچ تدابیر امنیتی نمی تواند جلو رخنهٔ آنها را سد کند. اجرایی یک عملیات تروریستی می تواند این جرگه را مختل سازد و یا به اعتبار آن آسیب برساند.

هدف قرار دادن محل برگزاری جرگه ویا شهر کابل توسط حملات موشکی، نگرانی دیگر امنیتی است، چند روز پیش پولیس کابل ۲۰۰ فروند موشک را از ولسوالی شکردره کشف وضبط نمود، طبق اظهارات پولیس این موشک ها به منظور اخلال جرگه در ساحه جابجا شده بود، ممکن است مخالفان درجاهای دیگری برای حمله موشکی درکابل آمادگی گرفته باشند ودر روز برگزاری جرگه توسط موشک برکابل حمله نمایند. درآن صورت شهروندان کابل وحشت زده شده ودرمیان غیر نظامیان تلفاتی به میان خواهد آمد که می تواند جرگه را بی اعتبار سازد.

مدیریت جرگه چالش دیگری در برابر حکومت است، هر چند که گفته می شود، حکومت افراد هوادار خویش را دراین جرگه فرا خوانده واشتراک کنندگان هیچ مخالفتی با خواسته های حکومت نخواهند داشت، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که شماری بحث های را دراین جرگه مطرح کنند که در مخالفت با سیاست های حکومت قرار داشته باشد. گفته می شود دریک لست مقدماتی که چند روز پیش آماده گردیده بود، دست اندرکاران متوجه شدند که افراد زیادی مربوط به طالبان درآن لست جا گرفته بودند. ادارهٔ جرگه متوجه این رخنه مخالفان گردیده ونام های شماری ازآنان را حذف نموده است، با وجود تدابیر لازم امکان دارد خواسته های طالبان، دید گاه های مخالفان سیاسی حکومت ونزاع کوچی ها وهزاره ها دراین جرگه مطرح گردد.

گسترش جنگ وافزایش فعالیت های مسلحانه مخالفان چالش دیگری دربرابر این جرگه است، حملات طالبان برپایگاه های مستحکم ناتو، جریان جنگ درهلمند، قندهار، نورستان وجا های دیگر، حاکی از تصمیم مخالفان درمخالفت با صلح ومذاکره می باشد. گفته می شود یکی از هدف های مخالفان از تشدید جنگ، رد پیشنهادات صلح طلبانه حکومت است.

بدون شک صدای صلح طلبانهٔ جرگه درمیان دود و آتش جنگ بی تأثیر شده وکسی به نتایج آن اهمیتی قایل نخواهد شد. مخالفت گروه های سیاسی وعدم شرکت آنان دراین جرگه به اعتبار وجایگاه حقوقی آن شدیداً ضربه وارد خواهدکرد، این جرگه بدون شرکت گروه های سیاسی صحبت یک جانبه خواهد بود که گوینده وشنوندهٔ آن تنها حکومت می باشد.

سنخگوی جبههٔ ملی عمده ترین گروه سیاسی مخالف حکومت، دریک مصاحبهٔ مطبوعاتی اعلان نمود که در جرگه مشورتی صلح شرکت نکرده واز فیصله های آن حمایت نخواهد کرد.

عدم شرکت مخالفان مسلح، غیبت گروه های سیاسی مخالف عدم حضور اعضای مجلس نمایندگان وعدم استقبال مردم از این جرگه، اهمیت حقوقی آن را تحت سوال برده است. این مخالفت ها بیانگر آن است که سیاست جرگه سازی حکومت با شکست روبرو شده، جرگه ها ابزار مناسبی برای ره یافت صلح وثبات درکشورنیست و برای تحقق این منظور، باید به خلاهای نظام توجه کرد و راه های دیگری را جستجو نمود.

حکومت باید از ناکامی چند جرگه دیگر بنام جرگه های صلح منطقه ای که با هزینه های سنگین برگزار شد، اما کوچکترین دست آوردی نداشت، درس می گرفت.

اگر حکومت می خواهد یک راه حل علمی را برای حل بحران کشور آماده سازد، ویا این که می خواهد یک پشتوانهٔ قانونی برای صلح ومذاکره بدست آورد، راه دست یابی به آن برگزاری جرگه نیست. برای تهیه یک راه حل علمی باید حکومت یک نشست ویا سیمناری با عضویت دانشمندان داخلی وخارجی برگزار می نمود وآن ها با استفاده از روش ها ومیکانیزم های علمی چنین راه حلی را آماده می کردند.

اگر دولت می خواهد یک قانون یا دستاویز حقوقی برای صلح ومذاکره با مخالفان در دست داشته باشد، باید پس از مشوره های لازم با جریان های سیاسی وکار شناسان طرحی را آماده می کرد وجهت تصویب به شورای ملی می فرستاد. این قانون می توانست مستندی برای اقدام های بعدی حکومت باشد.

احتمال خروج نیروهای خارجی از افغانستان

ابوبکر سبزوار



مسألهٔ خروج نیروهای خارجی از افغانستان موضوعی است که در مورد آن نظریات متفاوت دارند. بعضی ها به این باور اند که حضور این نیروها در افغانستان خوش شانسی برای مردم افغانستان است. دولت های مختلف در افغانستان در طول ده ها سال تلاش داشتند تا امریکا را به افغانستان علاقمند سازند، اما امریکائی ها به این خواست توجهی نداشتند. اکنون که امریکا به افغانستان امده است، باید از این فرصت استفاده کرد و باید این نیروها در افغانستان باقی بمانند.

اما مخالفین به این نظر اند که مردم افغانستان هرگز خواهان حضور اشغالگرانهء هیچ کشوری در کشور شان نبوده اند و باید این نیروها بدون قید وشرط افغانستان را ترک کنند.

گروه دیگر به این باور اند که خروج ناگهانی نیروهای خارجی می تواند به خلای قدرت و در نهایت به بازگشت طالبان بیانجامد. این گروه به این باور اند که خروج نیروها بر اساس یک جدول زمانی صورت گیرد که همزمان با خروج تدریجی این نیروها. تفاهم و مصالحه میان افغانها قوت بگیرد و زمینه برای بمیان امدن یک حکومت باثبات در کشور فراهم شود.

امریکائی ها در مورد خروج نیروهای شان سخنان مبهمی گفته اند. گاهی از آغاز خروج این نیروها در سال ۲۰۱۱ سخن گفته اند و زمانی هم تعیین هرگونه جدول زمانی برای خروج نیروهای شانرا رد کرده اند. به نظر می رسد که امریکائی ها هنوز هم امید به پیروزی از راه نظامی را از دست نداده اند.

چند روز قبل وزرای خارجه، دفاع و توسعهء بین المللی بریتانیا سفری به کابل داشتند که به این سفر اهمیت خاصی داده شد.

شاید دلیل اهمیت این سفر بیشتر ناشی از این باشد که پس از شکست حزب کارگر در انتخابات اخیر انگلیس و بقدرت رسیدن حزب محافظه کار، این نخستین سفر مقامات بلندپایهء کشور انگلستان به افغانستان بود. پس از بقدرت رسیدن، صدراعظم جدید انگلستان و همچنان وزیر خارجهء آنکشور، افغانستان را مهمترین اولویت در سیاست خارجی انگلستان عنوان کردند که البته کاملا قابل درک است. انگلستان در افغانستان نزدیک به ده هزار سرباز دارد و از زمان حضور نظامی این کشور در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ تاکنون حدود ۲۹۰ نظامی انگلیسی در جنگ های افغانستان جان خود را از دست داده اند.

ویلیام هیگ وزیر خارجه، لیام فاکس وزیر دفاع و اندرو میچل وزیر توسعهء بین المللی بریتانیا روز یکشنبه اول جوزا زمانی وارد کابل شدند که اعلام شد بخش بزرگی از نیروهای این کشور در ولایت هلمند تحت فرماندهی یک جنرال امریکائی در خواهد آمد.

هدف سفر این سه وزیر به افغانستان بررسی اوضاع در افغانستان بود و انها با رئیس جمهور کرزی ملاقات نمودند. امکان تسریع آموزش نیروهای افغان برای بعهده گرفتن مسئولیت های بیشتر در تامین امنیت کشور از اهداف مهم این سفر خوانده شد.

لیام فاکس وزیر دفاع انگلیس قبل از سفر به کابل به روزنامهء تایمز گفته بود که نیروهای انگلیسی مصمم اند تا پروسهء آموزش نیرو های نظامی و انتظامی افغانستان را سرعت بخشند تا به این ترتیب مدت ماموریت نیروهای انگلیسی در افغانستان کوتاهتر گردد. وی در این سفر با جنرال مک کریستال نیز ملاقات نمود و با وی در مورد اینکه آیا نیروهای افغان می توانند تا سال ۲۰۱۴ توان لازم برای دفاع مستقل از کشور را بدست آورند، تبادل نظر نمود. مک کریستال سال ۲۰۱۴ را سالی پیشبینی نموده که نیروهای افغان توان دفاع مستقل از کشور را خواهند یافت.

وزیر خارجهء بریتانیا در این رابطه گفت که با مقامات ذیدخل و مربیان نظامی خود در این مورد گفتگو می کنیم که آیا امکان تسریع این روند بدون کاهش در کیفیت آن وجود دارد یا نه؟

آنها در هنگام سفر به افغانستان تاکید داشتند که قرار نیست در سیاست های بریتانیا در قبال افغانستان تغییرات عمده ای بمیان آید اما این سخنان نشان از این دارد که انگلیس ها کم کم از طولانی شدن جنگ در افغانستان نگران شده اند.

اما نکتهء جالب اینکه وزیر دفاع بریتانیا قبل از سفر به کابل مقاله ای در روزنامهء تایمز نوشت: ما برای این در افغانستان نیستیم که به یک کشور شکست خوردهء قرن سیزدهمی کمک کنیم بلکه برای مردم بریتانیا و امنیت جهانی در آنجا حضور داریم.

این سخن وزیر دفاع بریتانیا اهداف غرب را در افغانستان نشان می دهد و اینکه چرا در طول سالهای بعد از ۲۰۰۱ با وجود ادعای ملیارد ها دالر کمک جامعهء جهانی ما شاهد بهبود وضع در کشور خود نیستیم. وی بصراحت اعتراف می کند که منظور ما نه کمک به افغانها بلکه دفاع از امنیت بریتانیا و امنیت جهانی است.

به نظر می رسد که محافظه کاران که به کمک لیبرال دیموکرات ها قصد ماندن براریکهء قدرت را برای سالهای بعد نیز دارند، این خواست موتلف خویش را در نظر گرفته اند که جنگ در افغانستان طولانی شده و باید راهی برای حل آن جستجو کرد.

انگلیس ها به این باور اند که با جنگ نمی توان این معضل را حل کرد وباید با مخالفین از در صلح در آمد اما امریکائی ها هنوز بر راه حل نظامی باور دارند و به همین منظور اعلام داشته اند که تعداد نیروهای شان در افغانستان بیش از تعداد این نیروها در عراق است. در حالیکه نیروهای جدیدی هم در راه رسیدن به افغانستان اند.

به نظر می رسد که انگلیس ها از اینکه این جنگ را بتوان در کوتاه مدت به نتیجهء مطلوب رسانید با امریکائی ها اختلاف دارند اما از جانب دیگر مخالفین مسلح دولت به این باور اند که گذشت زمان به نفع آنان است. پس باید تا پایان سال ۲۰۱۱ انتظار کشید تا دیده شود که گذشت زمان چه نقشی را بر سرنوشت این ملت رقم خواهد زد.

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

در بارهٔ درگیری های کوچیان و ده نشینان در بهسود ودایمیرداد

هر از چندگاهی متأسفانه ما شاهد درگیری هایی میان کوچیان و مردمان باشندهٔ محل می باشیم. هرچند این پدیدهٔ بد اجتماعی در کشورما تاریخ طولانی داشته است، اما در سال های اخیر بنا بر عواملی سیاسی و غرض ورزی های شماری از افراد و گروه ها ابعادی وخیم تر گرفته است.

با تأسف حکومت های گذشتهٔ افغانستان مجدانه در جهت حل این مشکل گام ننهاده بلکه بسیاری اوقات خواسته اند از آن به عنوان یکی از ابزارهای فشار و ایجاد تفرقه برای دوام اقتدار خود استفاده کنند.

این مشکل اگر به گونهٔ بنیادین و عادلانه راه حل پیدا نکند چه بسا که مشکلاتی تازه و صعب العلاج دیگر را به بار خواهد آورد.

طبیعی ترین راه حل این مشکل مزمن اسکان کوچیان است حکومت افغانستان بر مبنای مادهٔ چهاردهم قانون اساسی موظف است در جهت اسکان کوچیان اقدام ورزد. اما حکومت افغانستان با شوربختانه درطی این هشت سال کم ترین توجهی در این زمینه مبذول نداشته است.

اسکان کوچیان وظیفهٔ اسلامی و تمدنی حکومت است. کوچی گری و چادر نشینی در تعالیم اسلامی نکوهیده شده و اسلام در جهت پایان دادن به حیات کوچی گری و بیابان گردی تشویق و ترغیب به تمدن و استقرار تلاش هایی زیاد انجام داده است. کوچیان به اقتضای زندگی چاردنشینی از حقوق و مزایای زندگی بهره مند نخواهند شد. با چادر نشینی نمی توان از بسیاری خدمات اجتماعی مانند آموزش و پرورش و بهداشت درست بهره و به عنوان یک شهروند مقتدر در تولید و توانایی ملی سهم گرفت.

اصدار فرمان اخیر رئیس جمهور در راستای حل منازعهٔ کوچیان و ده نشینان بهسود و دایمیرداد واسکان کوچیان به عنوان راه حل همیشگی این مشکل، اقدامی است ضروری و لازم اما کافی نیست.

لهذا اعلام می داریم که باید حکومت در جهت اسکان کوچیان اقدام جدی ورزد و برا ی آن برنامه ریزی کند. این کار مستلزم آن است که برنامه ریزی و اقدام در این زمینه باید با مطالعه و بررسی گسترده و دقیق توأم باشد و آن از طریق چارچوبه های قانونمند و عادلانه انجام پذیرد، تا راه حلی باشد برای یک مشکل بزرگ اجتماعی و از آن، مشکلی اجتماعی تازه بروز نکند. دولت چنان که وظیفه دارد باید کوچیان را از چارد نشینی نجات دهد ولی باید توجه داشته باشد که گروه هایی از مردم متمدن و مستقر کوچی و چادرنشین نشوند.

این مأمول زمانی به دست می آید که به حل یک مشکل اجتماعی با توجه به مشکلات دیگر اجتماعی و منافع و مصالح عمومی اقدام کنیم.

احکام و مقررات اسلامی در باب احیای اراضی موات و توزیع مراتع و چراگاه ها در حل عادلانهٔ این مشکل بسیار کارساز خواهد بود.

البته اسکان کوچیان یک کار بسیار دشوار و زمان بر و هزینه خواه است اما باید به آن پرداخت و آن را جدی گرفت.

جمعیت اسلامی افغانستان

دفتر مرکزی

کابل اول جوزای ۱۳۸۹

جستاری پیرامون حماسه سرایی

یا تراویده هایی که انجماد جان ها را می شگافند

عبدالقیوم ملکزاد

پیوسته به گذشته

ازآنجایی که سخن ما پیرامون شعر جهادی و حماسی می چرخد، فلهذا بر می گردیم برسر اصل موضوع و آن اینکه:

حماسه سرایان دوران اشغال افغانستان توسط روسها -که استاد خلیلی را در آن جایگاه ویژه است- بدان سبب ستودنی اند که خامه های شان به خاطر سهمگیری به جهاد مقدس، قرار داشته وما بعد از استاد سرایندگان جهاد گرو متعهددیگری را نیز داریم که اشعار شان را قوت و عذوبت ویژه ای احتوا کرده وآثار دلکش شان، زبان فارسی - دری را، چاشنی وغنا بخشیده است . ازجمله آن ها عبارت اند از : استاد مولوی محمد حنیف بلخی، دکتور شیراحمدنصری حقشناس، جمشید شعله، استاد پژواک، استاد آیینه، عبدالاحد تارشی، نایل لاجور ینشهری، محمد کاظم کاظمی ، مولوی نایل ، استاد ذره ، حسرت فاریابی ،استادان صبا وسخا و امثالهم، که بررسی اشعار جهادی

آزادی فخر افغان اس
راپت کل لات کلان اس
بیا بچیم انگور بخو!

آقای زریاب رهنورد،که از نویسندگان شناخته شده کشوراست، طی مصاحبه یی راجع به ادبیات «مقاومت» ــ که ما بیشتر به ادبیات جهادیش تأکید میورزیم -در برابر پرسشی پاسخ می دهد:

دراین شکی نیست که درگوشه های دور دست کشور ونیزدرسرزمین های همسایه ، ادبیات مقاومت(جهاد) پدیدآمد."

اما وی منکرسراغ شدن ادبیات مقاومت درآن دوره به کابل می شود و می افزاید:

«امروز شماری از خامه زنان ما، برخی از سروده ها و نبشته ها را که در همان زمان در کابل چاپ شده بودند، در شمار ادبیات مقاومت می آورند که به عقیدهٔ من درست نیست. زیرا پدیده هایی راکه از شعری همگانی نیروی اشغالگر و یا دولت دست نشاندهٔ آن،

ایشان خواهان زمان دیگر می باشد و مجال بیشتر...!

البته نباید ناگفته گذشت که از اکثر کسانی که ازایشان نام برده شد، استعداد و قرایح آنها فقط در آغوش انقلاب اسلامی نه بالیده ! بلکه ایشان شخصیت شعری خود را پیش از تحولات اسلامی نیز باکمال موفقیت تبارز داده اند و نمونه های موفقی را در قالب اسالیب متعدد، ارائه داشته اند.

مصداق قابل قدر انگاشتن سروده های سخنوران جهادی وحماسه سرا می تواند مرور این سطور در تاریخ معروف غلام محمد غبار باشد که در ارتباط با لشکرکشی انگریز ها در سرزمین ما، اینگونه یاد دهانی نموده است:

" در هنگام تجاوز انگریز ها شهنامه خوانی ها یا سروده هایی را که بیانگر شور مقاومت بودند، در بازارهای کابل ممنوع می سازند..!"

چرا؟ دلیلش معلوم است که همانا روح حماسه آفرینی و تحرک انگیزی بوده . قطع نظر از اینکه بحث شود شعر مذکور از چه مقدار قوت ادبی برخوردار بوده و چقدر برمیزان و اصول شعر و اهل کلام برابر و...؟ اما به قول غبار این شعر در هنگام تجاوز انگلیس ها چنان زبان به زبان می گشت که تأثیرمستقیم به روح وروان مبارزین می بخشید واین اثرآفرینی موجب شدکه انگریز ها قرائت آن را ، در کوچه و بازار، قدغن اعلان کنند.

سروده مذکور که اکثراً در میدان های جنگ زمزمه می گشت، بدین نحو شروع می شد:

محمد جان. خان مرد میدان اس
ایوب خان شیر غرآن اس
میربچه خان رس رسان اس

بخش و نشر شوند و نویسنده و شاعر، از این کارها حق الزحمه هم بگیرد، به هیچ صورت نمیتوان، ادبیات مقاومت نامید.»

من این پره گراف ها را از مصاحبه آقای رهنورد، به خاطر آن نقل کردم که متاسفانه بعضی از دوستان، سروده های دوران جهاد شعرای چیره دستی چوپ استاد مولوی حنیف بلخی، دکتور حقشناس، عبدالاحد تاشی، استاد محمد الیاس ذره ، استاد حسرت، نایل لاجور دینشهری و امثالهم را که جایگاه خاصی در شعر و ادب معاصر کشور داشته و دارند، کم رنگ جلوه می دهند وگاهی به زعم خود انتقاداتی هم به آثار گرانسنگ و قیمتدار شان وارد می کنند! و این طرز بینش،انصافاً درست نمی باشد و دردآورتر و تأثر آور تر اینکه گاهی اطلاع می یابیم، نسبت به استاد نامدار و افتخار ادب و زبان کشور و افتخار ادبیات فارسی، یعنی حضرت خلیلی نیز بدین نحو برخورد می نمایند! این نوع برخورد ها و سبک نگرش ها، شاید بیشتر از آن منشاء بگیرد که، خامهٔ توانای استاد، وحماسه سرایان نامدار دیگرکشور، چهرهٔ مبتذل و رسوای راهیان مکتب الحاد را - که همه چیز را از دید وابستگی می نگرند، به جهانیان آفتابی ساخت و یا اینکه دوره های اخیر عمر پربار استاد را، به دلیل همرکاب بودنش با قافلهٔ پرابهت جهاد و یا زیستن در زیرلوای سر فرازی و آزاد بخواهی، کم رنگ تراز اشعار قبل از جهاد قلمی وی تلقی می نمایند ! درحالی که یک بررسی کوتاه وواقعبینانه می تواند ثابت بسازد که الماس ها و مروارید های غلتان و قیمتدار دوران جهاد استاد ، ازلحاظ ادبی هم ، از اشعار ی که قبل از انقلاب اسلامی به وسیلهٔ وی سروده شده ، کمتر نمی باشد .

کاربرد واژه های فارسی دری در شعر کهن عربی

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

بررسی واژه گان فارسی دری که از دوران جاهلیت به زبان عربی راه یافته است این واقعیت را به خوبی نشان میدهد که اعراب از طریق بکار گرفتن کلمات فارسی دری، نه تنها زبان خود را غنا بخشیده اند؛ بلکه وسعت اطلاعات و انعطاف پذیری از زبان عربی را در راه بهره گیری از آن آشکار نموده اند. باید گفت، واژه های فارسی دری که عرب ها آنرا اقتباس نموده اند در بر گیرنده یی امور اداری، مدنی، لشکری، سیاسی، لباس، خوراک و نظایر آن میباشد از قبیل، درفس (درفش)، دیباج، استبرق، جلاب (گلاب)، ابریق، یاسمین، جلنار (گلنار)، فیروزج (فیروزه)، بالوزج (فالوده) و غیره. (۳: ۲۹). برخی از نویسنده گان عرب از قبیل خفاجی مولف کتاب ((شفا الغلیل))، جوالیقی مولف ((المعرب))، و ادی شیر در کتاب خود تحت عنوان ((الفاظ الفارسیه المعربه)) برخی از واژه هایی را نام برده اند که از دوره های جاهلی وارد زبان عربی گردیده است که میتوان از این واژه ها نام برد:

- الابریق، معرب آبریز
- الابهه، عظمت و بزرگی، معرب آب بها به معنی یی زیبا و شکوه
- الاستاذ، به قول جوالیقی کلمه یی استاذ غیر عربی است و به شخصی اطلاق میشود که در حرفه یی مهارت داشته باشد. اهل صنعت، پیشه و رئیس صنعت گران را استاذ میگفتند. این کلمه در شعر جاهلی بکار نرفته است. همچنان به قول این داشمند، استاذ به کسی گفته میشده است که به دیگران ادب و تهذیب می آموخته است. (۶: ۲۵).
- البستان، از بوستان فارسی دری گرفته شده و شاعران زیادی عرب این واژه را در شعر خود بکار برده اند و در اینجا یک نمونه از شعر جریر را ذکر میکنیم:

یعضون الانامل أن رأوها
بساتیناً یؤازرها الحصید (۹: ۴۱)

(انگشت حیرت به دندان میگزند، اگر آنرا چون بوستان هایی میبینند که پیرامونش را خرمن فرا گرفته است)

البهرج از کلمه دری آمده است.و ها آخیر کلمه به رسم عرب ها به جیم تبدیل شده است. به قول جوالیقی بهرج درهم ناسره و جعلی را گویند. بهرج در عربی به مفهوم مباح نیز به کار رفته است، که جمع آن بهارج است و به شکل نبهرج که جمع آن نبهرجات است، نیز آمده است. ادی شیربه این نظر است که از وا ژه بهرج فعل بهرج و مصدر آن بهرجه را مشتق کرده است(۲۹:۳)

الخورنق، از کلمه خورنگاه و خورگاه، یعنی جای خوردن آمده است.

جاموس_ معرب گاونیش:

مرج_ معرب مرغ، جز اول کلمه مرغزار (مرغ+زار) که جمع آن در عربی (مروج) شده و مورخ مشهور عرب کتاب معروف خود را به همین نام (مروج الذهب) نام کرده است.

سراج_ معرب چراغ

لجام_ معرب لگام، کلمه لجام در اشعار شاعران قدیم حتا در حدیث رسول اکرم "ص" نیز آمده است(۱:۹۰). ورود واژه های فارسی دری در عربی قبل از اسلام توسط کسانی صورت گرفته است که با عرب ها در ارتباط و پیوند دایمی بوده اند. این ارتباط و پیوند را قبل از همه مردمان مناظره و لخمینی ها که آخرین فرد آنها نعمان ابن منذر میباشد، تامین مینموده است. لخمینی ها در سر زمین های حیره که یک فرسخ از کوفه فاصله داشت، حکومت مینمودند و در ادبیات شاعران این دوره واژه های زیادی فارسی دری را دیده میتوانیم، از جمله اعشی، میمون بن قیس واژه های گلستان بنفشه، سوسنبر، مرزنگوش، شاه اسپرم، یاسمین، نرگس، آس و خیری را در اشعار خود به کار برده است. از کار برد این واژه ها در شعر اعشی فهمیده میشود که او مجذوب زنده گی خراسانیان بوده است. علت فراوانی کلمات فارسی دری در اشعار او را میتوان در اقامت این شاعر در دربار سلاطین فارس و آشنایی اش با زنده گی فارسی ها و خراسانی ها ذکر کرد. (۴: ۶۷۷) عرب ها واژه یی لاعب الصنج را همواره به کار برده اند که صنج معرب چنگ دری میباشد. اعشی این واژه را نیز به کار برده است، منوچهری دامغانی در یکی از قصاید خود چنین میگوید:

ز زیر و بم اعشی قیس
زننده همیزد به مضراب ها
و کاسن شربت علی لذه
و اخری تدوایت منها بها (۵ و ۸)

ادامه دارد



فصلِ جنگ

*** وحید مژده ***

در طول دهها سال جنگ و خشونت در افغانستان، پس از سرمای زمستان و آمدن فصل بهار، فصل جنگ آغاز می شود. گوئی میان گرم شدن هوا و شعله ورشدن مجدد آتش جنگ ها در این کشور رابطهء مستقیم وجود دارد. شاید یک دلیل هم این باشد که فصل بهار موجب می شود تا پوشش گیاهی بیشتر گردد و امکانات بیشتر ستر واخفا برای جنگجویان فراهم آید. بهاری که شاعران آنهمه در وصف زیبائی هایش داد سخن داده اند، در کشور، در پشت پرده ای از خشم و خشونت پنهان شده است.

زمانیکه نیروهای ناتو اعلام داشتند که قصد دارند تا عملیات مشترک را از مارجه به قندهار بکشانند، در مقابل طالبان هم اعلام نمودند که عملیاتی را بنام الفتح در سراسر افغانستان براه خواهند انداخت. مقامات امنیتی و نظامی کشور ما در عکس العمل به این اعلام طالبان آنرا فقط یک تاکتیک تبلیغاتی ارزیابی نمودند و گفتند که طالبان دیگر توان جنگیدن را از دست داده اند.

دلیل این امیدواری این بود که طالبان از مارجه رانده شده بودند و از دوماه به اینطرف نیروهای امنیتی کشور موفق شدند تا تعدادی از کسانی را که برای حملات خودکش آماده شده بودند دستگیر نمایند و به نظر می رسید که شبکه های مهم طالبان را تارومار کرده اند.

از طرف دیگر دستگیری ملابرادر مرد شماره دوم طالبان در کراچی پاکستان قبلا این تصور را به میان آورد که طالبان توان آنرا ندارند تا در کوتاه مدت جانشینی برای چنین شخص مهم تعیین کنند که توان سازماندهی برنامه های رزمی را داشته باشد.

اما طالبان که به کشته شدن و دستگیری فرماندهان شان عادت دارند، بسرعت دست بکار شده ملا ذاکر را بجای ملابرادر بعنوان مسئول امور نظامی مقرر نمودند. با این تفاوت که شخصی را هم مسئول امور ملکی مقرر کردند. قبلا ملا برادر هردو مسئولیت را بعهده داشت.

ملاذاکر از زندانیان قبلی گوانتانامو است و بعد از آزادی، که نتیجهء یک تبادلهء مخفیانه با تعدادی از گروگان های کوریائی بود، مجددا به صف طالبان پیوست.

مسئولین امنیتی کشور در این اواخر تلاش های زیادی را برای تامین امنیت براه انداختند، اما طالبان توانستند نیروهای ناتو را در منطقهء دارالامان با یک موتر مملو از مواد انفجاری مورد حمله قرار دهند و در کنار کشتن و مجروح کردن تعدادی از این نیروها، جمعی از مردم ملکی را نیز کشته و مجروح سازند. طالبان مدعی شدند که فردی که این حمله را انجام داد از منطقهء شکردرهء ولایت کابل بوده است.

حدود ساعت سه بعد از نصف شب همانروز تعدادی از طالبان به درب ورودی میدان هوائی بگرام، مهمترین پایگاه ناتو در افغانستان که بشدت از آن حفاظت می شود با سلاحهای سبک حمله ور شدند. ادعای طالبان این بود که بیست تن از افراد آنان در این حمله شرکت داشتند. چهارتن از آنان یکی بعد دیگر خود را منفجر ساخته و راه را برای دیگران باز کردند. بقیه وارد میدان شده و تعدادی از نیروهای خارجی را کشتند.

ناتو این حمله را تائید می کند اما فقط به کشته شدن یک نفر و مجروح شدن هفت نفر اعتراف کرده است و می گویند که از حمله کنندگان اکثریت شان کشته شدند و یک نفر زنده دستگیر شده است.

درحالیکه ماجرای حملهء طالبان به میدان هوائی بگرام در سرخط اخبار قرار داشت، طالبان به میدان هوائی قندهار نیز حملهء مشابه انجام دادند. در این حمله طالبان نتوانستند راه را بداخل میدان باز کنند.

طالبان بخوبی می دانستند که نخواهند توانست وارد این پایگاهها گردند ولی آنها از این حمله اهداف دیگری داشتند. آنها با سازمان دادن این حملات نمادین خواستند به فرماندهان ناتو و در مجموع به جامعهء جهانی بگویند که برای جنگ علیه آنان مصر اند. در شرایطی که امریکا و دولت افغانستان به طالبان عادی پیشنهاد گذاشتن اسلحه در برابر پول و دادن پناهندگی سیاسی به رهبران آنان را دارند، طالبان می خواهند بگویند که این پیشنهادات برای آنان ارزش ندارد.

حمله به بگرام یعنی مرکز فرماندهی نیروهای بین المللی در افغانستان که بخش بزرگی از عملیات نظامی در کشور از این مرکز سازماندهی می شود، ونیز حملهء مشابه به میدان هوائی قندهار نشان از عزم طالبان در جنگ و بی باوری آنان به برنامه های پیشنهادی صلح از جانب حکومت افغانستان و خارجیان دارد. تبعات این حمله روی جرگهء مشورتی صلح نیز منفی خواهد بود. قرار است این جرگه برای مذاکره با طالبان، میکانیزم و چهارچوبی را مشخص نماید. اگر در این جرگه پیشنهاد شود که طالبان باید از درخواست شان برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان دست بردارند و قانون اساسی و نظام موجود در کشور را برسمیت بشناسند، از همین اکنون مشخص است که این پیشنهادات عملی نیست و تشکیل این جرگه بی ثمر خواهد بود و بر روند صلح در کشور تاثیری نخواهد داشت. اینکه طالبان خواهان خروج بدون قید وشرط نیروهای خارجی از افغانستان اند و در مقابل جامعهء جهانی می خواهد تا رهبران طالبان به کشورهای دیگر غیر از کشور های همسایه پناهنده شوند، پیشنهادات متقابل دوطرف از طرف مقابل برای خروج از افغانستان است که نشان از بن بست در راه صلح دارد.

طالبان با این حملات در صدد دادن این پیام به حکومت افغانستان اند که توان مختل کردن پروسهء انتخابات پارلمانی را نیز دارند. آنها می خواهند با ایجاد وحشت، مانع شرکت مردم در انتخابات گردند.

امریکا مصمم است تا طالبان را از راه جنگ تضعیف نماید و به این منظور به اعزام نیروهای بیشتری به افغانستان دست زده است. این درحالیست که جنگ با طالبان یک جنگ جبهه ای نیست که بتوان آنرا با ازدیاد سرباز حل کرد. در جنگ چریکی حتی یک گروه کوچک و حتی یک فرد می تواند برای نیروی بزرگی مشکل آفرین باشد.

معضل کوچی گری در کشور و خطر های ناشی از آن

هابیل

از چند سال بدین سو نزاع میان کوچی ها و مردم مناطق مرکزی باعث ایجاد بحران اجتماعی و سیاسی در کشور گردیده و تلفات انسانی به بار آورده است. ظاهراً دولت آقای کرزی با وجود تعهدات شفاهی و کتبی تا هنوز نتوانسته این بحران را حل کند.

پا برجا بودن این بحران از یک سو ریشه در عدم صداقت و جدیت دولت دارد و از سوی دیگر حاکی از پیچیده بودن و ریشه دار بودن این بحران می باشد.

حکومت های مستبد و قبیله ای گذشته در افغانستان، موجودیت تفرقه و نفاق در میان ملیت ها و اقوام کشور را به نفع خویش می دانستند، آن ها در پیش گرفتن یک سیاست غیر ملی و تبعیض آمیز در زمینهٔ توزیع زمین ها و چراگاه ها و جابجای اقوام و قبایل ، نفاق و اختلاف را در میان مردم افغانستان نهادینه ساختند.

این مشکل با گذشت سال ها چنان بزرگ و پردامنه شده است که به یک عامل بالفعل بحران و بی ثباتی در کشور تبدیل گردیده و حل آن از توان حکومت کنونی فراتر رفته است.

برخی حلقات در داخل حکومت کنونی، حل بحران کوچی گری را به صلاح خود نمی دانند، آن ها با الهام از سیاست های تفرقه افگنانه ای حکومت های قبیله ای در نظر دارند، با برنامه ریزی، طرح غرض آلود اسکان کوچی ها اختلاف دیگری را در میان مردم افغانستان ایجاد کنند.

اسکان کوچی ها در صورتی که به دور از هدف های تبعیض آمیز و تفرقه افگنانه صورت گیرد، اقدام بجا بوده و قانون اساسی کشور نیز دولت را موظف به آن نموده است. اسکان کوچی هم به سود آن ها است که می توانند از خدمات تعلیمی، صحی و دیگر خدمات عامه بهره مند شوند و هم جامعه ازیک عامل بی ثباتی رهایی پیدا می کند. اما اسکان این گروه اجتماعی باید با احتیاط انجام یافته و بر اساسی یک برنامه ملی به دور از تبعیض و امتیاز دهی و به دور از گردش های قبیله ای صورت گیرد.

اما گروهی که طرح اسکان کوچی ها را مطرح می کنند، غرض آلودی دارند و اگر طبق خواسته های آنان این برنامه روی دست گرفته شود، می تواند اختلافات جدیدی در میان مردم به میان آورده و پروسه ملت سازی را بصورت قطعی تخریب نماید.

این گروه ملتفت نیستند که اکنون ما از قرن ۱۹ و حتی قرن بیستم، فاصله زیادی گرفته ایم و به علت گسترش وسایل اطلاعاتی، یک اقدام تبعیض آمیز می تواند جامعه را به حالت تلاطم در آورد و ضربهٔ سنگینی به وحدت ملی و تمامیت و سلامت کشور وارد کند.

دولت اگر بر نامه برای توزیع زمین های دولتی و یا چراگاه ها داشته باشد، باید در توزیع آن از اعمال هر گونه سیاست غیر ملی و تبعیض آمیز پرهیز نماید.

در اسکان کوچی ها باید توجه شود که شماری از کوچی ها نسبت به بسیاری شهروندان، دارای وضعیت خوب اقتصادی می باشند، آن ها می توانند در هر جایی که بخواهند زمین و خانه بخرند و مسکن گزین شوند، چنانچه برخی کسانی که ادعای کوچی گری و حتی نمایندگی از کوچیان را دارند، دارای سرمایه های بزرگ و زمین های فراوان و خانه و موتر می باشند، از جانب دیگر میلیون ها شهروند فقیر و بی زمین در گوشه و کنار کشور وجود دارند که کوچی نیستند، اما بش از هر کس دیگری مستحق تر به دریافت کمک و زمین می باشند، باید دولت در قدم نخست به این شهروندان فقیر و بی زمین توجه نموده برای شان زمین و خانه توزیع نماید.

نبود احصائیهٔ دقیق و آمار و ارقام در مورد کوچی ها، مشکل عمده در راه اسکان آن هاست، نمایندگان کوچی ها شمار آن ها را حدود، چهار یا پنج میلیون می دانند، در حالی که برخی، شمار آن ها را در حدود سه صد، چهار صد هزار تخمین می کنند، در نبود احصائیه، ممکن است افراد غیر کوچی خود را در جامهٔ کوچی جا بزنند و به ناحق امتیاز بگیرند و کوچی واقعی همچنان بی خانمان باقی بماند.

نبود تعریف مشخص از کوچی گری، چالش دیگر در راه اسکان آن ها می باشد. برخی، کوچی را صرف افراد متعلق به قوم پشتون می دانند، اما برخی دیگر می گویند، کوچی کسی است که زمین و خانه نداشته باشد، این تعریف شامل بخش مهمی از مردم افغانستان می شود که متعلق به همهٔ اقوام کشور می باشند، هواداران این تعریف خواهان توزیع زمین به تمام افراد فقیر و بی زمین می باشند.

بنابر این پیش از هر اقدام و بر نامهٔ برای اسکان کوچی ها، دولت باید شمارش جمعیت و احصائیه را در کشور راه اندازی نماید و افراد کوچی و غیر کوچی و همچنان میزان فقر و دارای مردم را مشخص سازد، تا مطابق آن برای توزیع زمین و چراگاه ها و اسکان کوچی ها برنامه سازی نماید.

هجوم نیروهای مسلح بنام کوچی به مناطق مرکزی کشور، که همه ساله واقع می شود یک اقدام خطر ناکی است که می تواند باعث به میان آمدن دسته ها و گروه های مسلح در ولایات مختلف گردیده و یک مسابقه دست یابی به سلاح را در میان اقوام کشور به میان بیاورد. اگر چنین مسابقه به راه بیفتد، احتمالاً گروه های مسحلی که تشکیل می شوند، بر خلاف مجاهدین، اهداف قومی را دنبال خواهند کرد که می تواند فاجعه بزرگ ملی را ایجاد کند و سلامت کشور و وحدت ملی را با خطر جدی روبرو سازد.

در چنین شرایطی دولت باید به منظور حفظ وحدت و یک پارچگی ملی، اقدام به خاموش کردن این غایله نماید و جلو نظامی گری و توسل به خشونت را بگیرد و اجازه ندهد، اقدام مسلحانه افرادی بنام کوچی ها باعث به میان آمدن گروه های مسلح قومی گردد.

همه گروه های سیاسی باید هشیاری خویش را حفظ کنند و با در پیش گرفتن سیاست های سنجیده شده، جلو اختلافات و تفرقه را بگیرند.

افغانستان به آموزش وپرورش باکیفیت نیازدارد

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

قــم للمعلــم ووفــه التبجــيلا
كاد المعلم ان يكون رسولا

امیر الشعراء شوقی

به احترام معلم برخیز ، زیرا معلم مقام پیغمبری است

نخستین جوانه های تغییر وتحول در سیستم آموزش وپرورش افغانستان ، در اوائل سلطنت امیر شیرعلی خان به وجود آمد. در دوران حبیب الله پدر شاه امان الله ، آموزش وپرورش از محدوده مساجد پا فراتر گذاشت وبه مکاتب رسمی تبدیل شد. طوریکه لیسه حبیبیه به حیث نخستین مکتب دوازده صنفی تأسیس شد. بعد از اداره موقت در کشور ، معارف افغانستان از تعداد دانشجو ، از کمیت بلندی برخوردا گردید ودر مناطقی که مردم در امن به سر می برند ، اطفال شان روانه مکتب گردیدند اما آموزش فعال با کیفیت به سیستم پیشرفته ، تاهم اکنون کمتر شانس پیروزی داشته است. امروز دربسیاری از نقاط دور افتاده افغانستان شاگردان ، مکاتب را بدون آنکه باسودا گردند وبا شناخت اعداد مهارت پیدا کنند، مکتب را ترک می کنند. کیفیت پایین آموزش وپرورش در مکاتب کشور ، به اعتماد مردم در برابر دولت صدمه وارد نموده واین امر سبب شده است ، تا خانواده های که از حد اقل توانایی مالی برخوردار اند ، به مکاتب خصوصی روی آورند. در حالیکه وزارت معارف نظر به مفاد قانون اساسی کشور جواز فعالیت مکاتب خصوصی را با عجله وشتاب روی دست گرفته است ، اما از مراقبت وارزیابی این مکاتب خصوصی از سوی این وزارت خبری در دست نیست ، در حالیکه ارتقای کمی باید با رشد کیفی معارف همراه باشد. مردم افغانستان در وضع موجود کشور ، به یک معارف متوازن ، غیر سیاسی وبدون تمایلات حزبی وقومی نیاز دارند. باید اموزش وپرورش در مکاتب بر ارزش های اسلامی وملی ما استوار باشد . بدون شک باید اعتراف کرد که یک پشرفته ، بدون معلم خوب ومسلکی ، کتاب درسی مناسب ، فضای بهتر آموزشی میسر شده نمی تواند . ظرف سالهای اخیر برنامه اصلاح وبهبود کیفیت معارف رویدست گرفته شده است این حرکت مطابق با نیاز جامعه صورت گیرد وهیچگاه واستایی در آن بوجود نیاید زیرا اموزش وپرورش یک امر مستمر ودوامدار است هرسال وهر وقت رمینه ها وبسترهای آن تغییر مینمایند.

برنگ نمونه وقتی دولت می خواهد ، تابرای جوانان در آینده کار تدارک نماید ، باید مهارت ها وکلید راهیابی به این مشاغل را شاگردا نه تنها در دانشگاه ها ، بلکه در مکاتب بیاموزند

پروژه بانک جهانی برای بهبود کیفیت ارتقای همه جانبه معارف ، یکجا با مو سسات غیر دولتی ، در جهت بلند بردن ظرفیت مسلکی معلمان ، تعمیر مکاتب ، چاپ کتاب تجهیز بعض از مکاتب به مواد درسی ، از کارهای مثمری است که در این وزارت صورت گرفته است ، باید از این فرصت های پیش آمده استفاده فروان بعمل آید. امروز درکشور مردم افغانستان به پنجاه زبان محلی ولهجه های مختلف صحبت می نمایند، شاگردا از سطح شهرها تا دور ترین روستا ها، باتفاوت های مختلف اقتصادی وفرهنگی زندگی می کنند، اگر در نظام آموزش وپرورش به این تفاوت ها توجه صورت نگیرد کیفیت معارف بهبود نخواهد یافت. با وجود کمک های جامعه جهانی چالش های بزرگی فرا راه معارف کشور وجود دارد : کمبود میزوچوکی، کتب درسی ، تجهیزات لابراتواری ، تخته حروف نویسی ، کتابخانه ، مواد ممد درسی ، میدان های ورزشی ، زمینه های لازم تعلیمات مسلکی وتخنیکی ، عدم دسترسی برخی از مکاتب در شهرها وولایات به تعمیروصنف درسی ، چاهای آب آشامیدنی صحی ، فضای مناسب آموزشی که از ضروریات اولی مکاتب محسوب می وغیره. افزون براین موارد نبود معلمان مسلکی وسویه های پایین تعلیمی وتحصیلی که فاقد صلاحیت تدریس اند ، از مشکلاتی اند که بر سر راه رشد وانکشاف کیفیت معارف قرار دارد . عدم تسلط معلم در مضمونی که تدریس می نماید ، در مکاتب افغانستان تقریبا عمومیت پیدا نموده است ظرف سالهای اخیر دروزارت معارف هر چند کارهای مثبت انجام یافته است اما نظر به حجم دشواری های تعلیمی وتربیتی ونیاز جامعه به ان ، این دست آورد ها درکشور بسنده نمی باشد، از این کارهای مثبت می توان از: رفورم معاشات معلمان کشور ، ایجاد مکاتب خصوصی نظربه مواد قانون اساسی ونیاز جامعه درکشور ، چاپ کتب درسی وفعالیت های در جهت نصاب تعلیمی واحد نام گرفت . به همین صورت درجهت ارتقاء وظرفیت مسلکی معلمان کارهای عملی از سوی نهاد های حکومتی وغیر حکومتی انجام پذیرفته است ، که بار سنگین را از دوش این وزارت تا حدی کاسته است . کورس های داخل خدمت درشهرها انکشاف تربیه معلم وایجاد دارالمعلین ها در ولایات مختلف وولسوالی ها ، از کارهای دیگری است که در این وزارت انجام یافته است . کیفیت تربیه معلم درکشورهایکه منابع مالی ضعیفی دارند، به طورطبیعی پایین می باشدکه افغانستان در قطار چنین کشور ها قرار دارد . با وجود انکه ملیون ها طفل واجد شرایط اموزش وپرورش بعد از اداره موقت روانه مکاتب گردیدند، هم اکنون بیش از شش ملیون طفل از رفتن به مکتب محروم اند. نبود حاکمیت سالم ، درگیری ها و بد امنی سبب شده است که در تعداد ازمناطق وولسوالی ها ، اطفال بویژه دختران قادر نیستند تا به مکتب بروند ، در حالیکه اموزش وپرورش سالم بستگی به اقتصاد پویا، امنیت سراسری، برنامه های واضح وروشن ورهبری دلسوز دارد. در نبود این عناصر ومولفه ها ،نمی توان توقع یک معارف متوازن وبا کیفیت را انتظار داشت. به هدف رسیدن به معارف متوازن وبا کیفیت که بتواند جوانان مارا باساینس وتکنالوژی معاصر نزدیک سازد، ایجاب می کند تا یک سلسله کارهای عاجل در وزارت معارف کشور رویدست گرفته شود .

شرایط وجو سیاسی حکم می کند که تا قانون معارف ،هرچه زودتر از مجاری قانونی آن طی مراحل گردد. نصاب جدید تعلیمی در کشور سراسری گردد، واین کار می تواند در جهت تحکیم وحدت ملی ، کیفیت واصلاح معارف سر آغازی خوبی باشد. چاپ کتب درسی در اولویت کارهای این وزارت قرار گیرد وکارهای که در این عرصه آغاز یافته ، ولی تاکنون به پایان نرسیده است ، نهایی گردد. درکار تألیف وتدوین کتب درسی باید اصل تخصص وتجربه در نظر گرفته شود ، فقط ارائه دیپلوم های هرچند واقعی وجعلی ، در تألیف وتدوین کتاب های درسی کار ساز نیست ، بلکه کسانی که تجربه نوشتن کتاب وتألیف را دارند ، باید دراین کارملی دعوت گردند تا به تألیف وتدوین کتب درسی بپردازند. بارها دیده شده است که این پلوم داران محترم کارهای سودمند را در کشور انجام نداده اند، این وضع در چاپ کتب درسی وتألیف آن در این وزارت نیز صادق است. محدود بودن تشکیلات وثابت نگهداشتن آن در معارف کشور قابل اغماض وچشم پوشی نیست، تشکیلات کنونی وزارت معارف ، دیگر جوابگوی خواسته های زندگی امروزی کشور نیست وفاقد کار آریی وپویایی می باشد وبا سیستم معارف پیشرفته جهان توافق وسازش ندارد. جای دارد که در این ساختارها اصلاحات جدی صورت گیرد.

وجود یک چنین تشکیلات دست وپا گیر وعدم شفافیت تقرر وتقاعد ، جلو جذب نیروهای جوان را در معارف کشور می گیرد. در آغاز اداره موقت وانتقالی یک سلسله شعارها ، از سوی دولت داده شد که از آن جمله می توان از فرمان تاریخی۸/ ۸۴/۸ (۳۶۲۹) ریاست جمهوری که تعدادی از وزارت های سکتوری را در ایجاد یک کمسیون موظف نموده بود ، تازمینه های عملی شهرک معلمان را رویدست گیرد ، اما ازاین فرمان بیش از پنج سال سپری می شود ، اما تاکنون از چنین شهرک خبری نیست ودر عوض به توزیع یک تعداد نمرات رهایشی محدود به معلمان پرداخته شده است ، که به هیچوجه جوابگوی خواسته های معلمان کشور نیست. چیزی دیگری که در مکاتب افغانستان، به ویژه شهرکابل بسیار نگران کننده است ،موجودیت بیش از ۶۰- ۷۰ شاگرد در یک صنف است که خلاف همه نورم های آموزش وپرورش معارف جدید جهان است.در حالیکه باید در یک صنف بالاتر از ۳۰ شاگرد حضور داشته باشد ، البته این کار نسبت نبود بودجه وهزینه کافی است که دولت به آن مواجه می باشد باید گفت که بدون هزینه بزرگ وکافی واقتصاد پیشرفته ، مسولان امور قادر نخواهند گردید ، تادر سیستم آموزش وپرورش تغییرات مثبت به وجود آورند در نتیجه باید گفت که استقرار صلح سراسری ، پیشرفت اقتصادملی ، زمینه های است که موجبات یک معارف پیشرفته را در کشور مساعد می سازد.

جمعیت اسلامی افغانستان ...

وبازهم موقف شان در جمعیت معلوم ومشخص نیست؟ برخی نمی دانندکه چه کسی جمعیتی است وچرا وچه کسی نیست وچرا؟ چه کسانی به تعهدات خود برجا واستوار مانده اند وچه کسانی در مسیر راه وتحولات زمان، از این کاروان بریده ویا بازمانده اند؟ چگونه می توان به آنها اطمینان داد که این حزب، منظم تر وپرتوان تر از قبل به حیث یک نیروی قدرتمند، به فعالیت های خود شدت وسرعت می بخشد وجاذبه ها وکشش های لازم را برای پیوستن دوبارهٔ یاران جدا مانده، دارا است؟

امروز که در کشور ما قانون اساسی وقانون احزاب سیاسی وجود دارد، جمعیت اسلامی طبق ضرورت وخواست زمان ودر مطابقت با احکام قوانین یاد شده به کار سازماندهی مجدد پرداخته همچنین رهبری جمعیت اراده دارد تا با درنظر داشت خواست همیشگی اعضا و شنیدن ودریافت نظر وپیشنهاد آنان، کنگره یا مجمع عمومی اضطراری را در آیندهٔ نه چندان دور، برگزار نماید. در این همایش بزرگ وتاریخی، نماینده گانی از خواهران وبرادران جمعیت، از همه ولایات، اقوام ومذاهب واصناف، اعم از علما، بزرگان، جوانان، قوماندانان پیشین ومجاهدین سابقه دار، حضور بهم خواهند رسانید.

در کنگره، مرامنامه واساسنامهٔ بازبینی شدهٔ جمعیت، مورد بحث وبررسی ونظرخواهی قرار خواهد گرفت وسیاست کلی جمعیت در مورد مسایل مهم، به تصویب خواهد رسید.

در این کنگره، رهبری جمعیت از نو انتخاب وتشکیلات مرکزی ومحلی طبق احکام اساسنامه، ساخته خواهد شد.

دارالانشای جمعیت اسلامی از همه اعضای جمعیت تقاضا دراد تا نظر وپیشنهاد خود را در این زمینه به صورت حضوری ویا کتبی به دارالانشا تقدیم نمایند ویا بفرستند.

مابا یک عزم نو وارادهٔ محکم، در یک صف ودر کنار هم قرار می گیریم، تشکیلات خود را منظم، منسجم وپرتوان می سازیم تا به حیث یک نیروی قدرتمند در امر بازسازی، رفاه وتوسعه در سرزمین محبوب خویش، مصدر خدمت بیشتر شویم.

برگزاری کنگره یا مجمع عمومی جمعیت، گام بلند واساسی در این راه است. خداوند بزرگ حامی ویاری دهندهٔ ما است.

راه به سوی ...

بماند در دور دوم شورای ملی به معرفی بگیرد، قانون اساسی در مورد چی می گوید؟ سلطان زوی نماینده مردم غزنی می گوید در این مورد قانون اساسی گنگ برخورد کرده است ولسی جرگه یک فیصله دارد تا آخرین فرصت منتظر خواهیم ماند، به باور آقای سلطان زوی در صورتی که مجلس نمایندگان وریاست جمهوری در موقف خود تغییر نیاورند، روند سیاست درکشور به بن بست کشانیده خواهد شد.

صادقی زاده نیلی نماینده مردم دایکندی می گوید: به دلیل این که اشخاص سرپرست را پارلمان نمی تواند استحضار واستجواب کند، باید کابینهٔ افغانستان مراحل قانونی خود را طی نماید تا برای مردم ونمایندگان در شورای ملی پاسخگو باشد..اما دولت افغانستان به دلایلی غیرموجه تا کنون به خواست نمایندگان مردم پاسخ نگفته است، سکوت اعتراضی در شورای ملی هم به همین خاطر وارد دومین هفته خود شده است.

وی اضافه کرد، تا وقتی این سکوت ادامه می یابد که کابینه به شورای ملی معرفی شود.

اقای نیلی افزود، مشکلات وچالش های افغانستان با گذشت هر روز اضافه می شود، انتخابات پارلمانی را مردم پیش روی دارند ایجاب می کند که رئیس جمهور اعضای کابینه خود را معرفی کند وبا اعتماد کامل به وظایف خود ادامه بدهند.

در همین حال مجلس نمایندگان در پهلوی سکوت وتحصن، تعطیلات تابستانی خود را به تعویق انداخته منتظر است رئیس جمهور وزرای باقی مانده کابینه خود را در این روز ها به مجلس معرفی کند

اما سخنگویان رئیس جمهور گفته اند که ممکن است موضوع معرفی کابینه بعد از نشست مشورتی صلح صورت بگیرد.

په لغمان کې د افغانستان د اسلامي جمعیت دفتر پرانستل شو



مهترلام (د ثور ۳۰): د افغانستان د اسلامی جمعیت لاربنو د پوهاند برهان الدین ربانی، د لغمان ولایت د مجاهدینو او جمعیت نو د پرلر پسی غوښتنی سره سم، د مهترلام په ښارکی د اسلامی جمعیت د نمایندگی د دفتر منظوری ورکړی وه. ورمه ورځ (پنجشنبه د ثور د میاشتی په دریمه) دا دفتر د افغانستان د اسلامی جمعیت د دارالانشاء د رئیس (پوهنمل محمد نسیم فقیري) در خوا دیوی پرتمینی غونډی په ترځ کی پرانستل شو.

په دی غونډه کی د لغمان د ولایت د اسلامی جمعیت او د اړونده ولسوالیو او د ځینو اسلامی او سیاسی گوندونو ځینی غړی او استازو گډون کړی وو.

- غونډه د قرانکریم د څو آیتونو د قاری محراب الدین په تلاوت سره پیل شوه.

- وریسې په لغمان کی د افغانستان د اسلامی جمعیت د دفتر د رئیس استاد اسدالله ثاقب له خوا د غونډی په هیکله معلوما ورکړل شو.

- بیا ملک عطاء الله خان د جمعیت د ولایتی شورا مشر، گډون کوونکو ته ښه راغلاست وویلو او دجمعیت له لاربنو د نه دوی د دفتر په جوړولو کی مننه وکړه. همدارنگه یې د دارالانشاء د رئیس راتگ ته دزړه له کومې هرکلی وکړ.

- معلم حبیب الله خان د فراشغان د جمعیت په استازی توب خبری وکړی او د سیمي خلکو تاریخی ملاتړ د جمعیت له آرمانونو سره څرگند کړ او وی یې ویل چی د فراشغان خلک د جهاد له لومړ یو ورځو څخه د جمعیت په لیکو کی دریدلی او د هغوی تائید او وفا داری تر اوسه پوری ثابت او خلل نه منون کی ده.

- محمد صدیق حقانی د دولت شاه د ولسوالی د جمعیت د غړو په نمایندگی خبرې وکړې او خپله تیاری د جمعیت د لیکو په پراخوالی کی څرگند کړه.

- مولوی گل نبي د ایشنگ د ولسوالی د مجاهدینو او جمعیت نو له خوا وینا کړه او په هغه و لسوالی کې د جمعیتانو د نمایندگی د دفتر د پرانستی غوښتنه وکړه.

- اصل الدین د قرغه یی د ولسوالی په استاز یتوب خبری وکړې او همدارنگه هغه هم د جمعیت د نمایندگی د دفتر غوښته وکړه.

- معلم عبدالستار د الینگار د جمعیت نو له خوا وینا و کړه او د جمعیت له مشر نه یی مننه وکړه چی لغمان او لغمانیانو ته توجه لری

- مولوی حیات الله د مهترلام او شاد خواجمعیتانو له لورې خبرې وکړې او د افغانستان په معاصر تاریخ کې د جمعیت د سیاسی او جهادی فعالیتونونه یادونه یې وکړه او د مرکز د خلکو پلان یی څرگند کړ.

- مولوي رحمت الله د افغانستان د اسلامی جمعیت گوند د لغمان د دفتر له خوا خبرې وکړې او د ټولو مجاهدینو د یووالی غوښتنه یې وکړه.

- د غونډې په پای کی د افغانستان د اسلامی جمعیت، د دارالانشاء رئیس پوهنمل محمد نسیم فقیري تفصیلی وینا وکړه چی په راتلونکی گڼه کی به خپره شی.

غونډه د دعائیی په لوستلو سره له غرمی نه پس د یوی بجی په شاوخواکی پای ته ورسیدله او میلمنوته بلنه ورکړی شوه چی د غرمی ډوډی لپاره ځانگړو خونوته تشریف ورو وړي.

له غرمی پس د بیلابیلو ولسوالیو استازو د دارالانشاء له رئیس سره په ځانگړی توگه ولیدل او خپل وړاندیزونه یی په شفوي او لیکلي توگه ورکړل.

کنفرانس بین الافغانی صلح در مالدیو...

نموده است که از طریق این کنفرانس، از جرگهٔ مشورتی صلح اعلام حمایت صورت گیرد، اما چنین نشد و با اکثریت آرا این فرمایش در نشست، رد گردید.

گفته می شود، حکومت به خاطر سبوتاژ این کنفرانس تلاش های زیادی به خرچ داده است تا مانع رفتن تعدادی از اعضای آن شود و حتی گفته شد که، بعد از رفتن آقای جمعه خان همدرد به مالدیو، با او تماس هایی مکرر گرفته شد تا او در جلسهٔ این کنفرانس اشتراک نکند.

اهداف و مواضع این کنفرانس، جستجوی راه حل ها برای تأمین صلح عاجل در کشور اعلام شده است.

آقای همایون جریر گردانندهٔ اصلی این کنفرانس گفت که، با کشورهایی که در مسألهٔ افغانستان مهم تلقی می شوند، تماس گرفته و نظر و همکاری آن ها را جلب کرده است. و با نمایندهٔ امریکا صحبت کرده است و آن ها رسماً همکاری شان را ابراز کرده اند. اهداف این کنفرانس به آلمان، فرانسه و دیگرکشورهای اروپایی توضیح داده شده است و آن ها در این باره نظر مثبت دارند. با دو کشور همسایه (ایران و پاکستان) تماس نزدیک گرفته شده که رسماً اظهار اعتماد و اعلام همکاری کرده اند. عربستان سعودی، امارات و قطر هم در جریان این کنفرانس قرار دارند. احزاب و نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در داخل نیز از این کنفرانس حمایت کرده اند، گرچه نمایندگان رسمی آنان در این کنفرانس شرکت ندارند.

بسیاری از اشتراک کنندگان کنفرانس صحبت ها و طرح هایی به خاطر جلوگیری از جنگ، آمدن صلح، امنیت و آرامش در کشور ارائه کردند.

در پایان کنفرانس قطعنامه یی با یک مقدمه و شش ماده به تصویب رسید که شامل استمرار و دوام کار کنفرانس جهت برگزاری یک نشست بزرگ، ادامهٔ مذاکرات با طرف های درگیر، آماده کردن طرحی جامع برای استقرار صلح و امنیت، حمایت و پشتیبانی از برنامه های صلح، افزودن و یا کاستن اعضای دارالانشای کنفرانس و برگزار کردن پنجمین اجلاس آن در آیندهٔ نزدیک در یکی از کشورها. در کنفرانس اعلان شد که دو کشور (مالدیو و سویس) میزبانی کنفرانس بعدی را به عهده گرفته اند.

افغانستان در سه دهه، کشمکش ها و درگیری هایی خونین و ویرانگر را بین جناح های مختلف شاهد بوده است. در این دوران جرگه ها، کنفرانس ها و نشست هایی از جانب سران قومی، نهادها، احزاب، حکومت ها، دولت ها و نهادهای بین المللی راه اندازی شده است. تا به نزاع های ذات البینی، خونریزی و ویرانگری نقطهٔ پایان داده شود و صلح، آرامش، امنیت و فضای زندگی باهمی در کشور حاکم گردد.

کشور ما در شرایطی قرار دارد که مردم افغانستان از هر جرگه و کنفرانس و نشستی را که به خاطر آوردن صلح و امنیت در فضای شفافیت دایر شود و دست های مغرض و منفعت جو در عقب آن نباشد، حمایت و پشتیبانی می کنند.

کنفرانس بین الافغانی در حالی برگزار شد که به تاریخ ۱۲ جوزا اجلاس مشورتی صلح از جانب دولت افغانستان با اشتراک حدود هزار و پنجصد تن از سراسر کشور به شمول رؤسا و اعضای شورای ملی، اعضای کابینه، رؤسای دادگاه عالی و سارنوالی، والی ها، رؤسا و اعضای شورای ولایتی ۳۴ ولایت، در خیمهٔ لویه جرگه در کابل دایر می گردد.

د ولسي جرگې راتلونکي ټاکني..

له هر څه څخه زیات اړین کار د دې ټاکنو د بې پریتوب تضمین دی؛ څو د ولس ډیره سلنه په ټاکنو کې برخه واخلي، ځکه که دا اطمینان ورنکړای شو نو له یوې خوا د تیرو ټاکنو خراب ریکارډ او د درغلیو داستان او له بلې خوا لاتر اوسه هم د پارلمان نېوکو او نانډریو ته ځواب نه ویل د ولسي جرگې حیثیت ته صدمه رسوي او هم په هېواد کې د پارلمان ارزښت له مینځه وړي چې لامله یې ښایې ولس په راتلونکو ټاکنو کې پوره او مطلوبه ونډه وانخلي او د دې ټاکنو سلنه له نورو ټاکنو څخه هم ښکته وي.

نو ځکه اړینه ده چې د ټاکنو خپلواک کمیسیون د ولس د باور لاسته راوړلو او د ټاکنو د شفافیت د تضمینولو په لړ کې ځینې مهم کارونه ترسره کړي چې د هغو له جملې څخه یو هم په تیرو ټاکنو کې په درغلیو او بې نظمیو کې لاس لرونکي پرسونل (مامورین) له دندو گوښه کول دي او لږ تر لږه خو باید له هغو حوزو څخه لېرې کړای شي چېرې چې د دوی له خلکو سره اړیکې پاتې شوي دي او په بنیادیې کولای شي چې ډېر ژر د نوو درغلیو لپاره مزي وغزوي. او دا ځل پارلماني ټاکنې هم د هغو نانډریو ښکار شي چې لامله یې د ولسمشر کرزي په شمول په ټاکنو کې ټول دخیل لوري په ټاکنو کې په درغلیو تورن شو او د نړیوالې ټولنې په وړاندې یې د افغانستان اعتبار ته صدمه ورسوله، که څه هم ولسمشر کرزي په لویه سطح د ټاکنو ځینې ادرسونه بدل را بدل کړل خو هغه هم ډېر وروسته او یا دا چې څو د گوتو په شمېر آدرسونه بدل شول او په هره انتخاباتي حوزه کې لاتراوسه هم ځینې داسې خلک پاتې دي چې لاله اوسه یې کړنې شفافې ندي.

همدارنگه د شفافیت یوه مهمه لاره دا ده چې د ټاکنو سملاسي وروسته، لومړنی شمېرنه لکه چې په تیرو ټاکنو وشوه . د ټاکنو په ځای کې ترسره شي او د نتیجې کاپي گانې د ټولو کاندیدانو هغه استازو ته ورکړای شي چې د رایې ورکولو په مرکزونو کې د ټاکنو پرمهال موجود اوسي او یوازې په دوه نقله اکتفاء ونکړای شي؛ ځکه دغه دوه نقله به چاته ورکولای کیږي؟ ولې چې د کاندیدانو استازي خو ډېر وي او یوازې دوه نقله کېدای شي چې د هغو کاندیدانو د استازو لاسونو ته ولویږي چې په دې مرکزونو کې یې ښې رایې نه وي وړې او لامله یې ضایع یې کړي. نو باید لږ تر لږه د ټولو هغو کاندیدانو استازو ته د نتیجې دغه نقل ورکړای شي چې له لسو څخه یې زیاتې رایې وړې وي (د رایو شمېره یې د یویز له خانې څخه د لسیز خانې ته رسیدلې وي).

همدارنگه د شفافیت په هکله د باور لاسته راوړلو بله ذریعه دا ده چې په عمومي توگه د نتایجو وروستی نتیجه هم ډېره ونه ځنډیږي او چې څومره ژر کېدای شي دغه نتیجه اعلان کړای شي او په ځنډیدو سره یې درغلیو کوونکو او بډو ورکوونکو ته زمینه برابره نشي څو واقعي نتایج بدل کړي او پرځای یې نوي نتایج مینځته راشي او په دې ترتیب ټاکنې بې باوره کړي اویا د راتلونکي وخت لپاره داسې پروسې خپل اعتبار له لاسه ورکړي چې په نتیجه کې به یې د یو څو مغرضو لاسونو په برکت د ولسواکۍ جنازه هم زمونږ له خاورې څخه ووځي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ هشتم ۸ جوزای ۱۳۸۹ ۱۵جمادی الاخر ۱۴۳۱ - 29May 2010

گزارش از: فیض

کنفرانس بین الافغانی صلح در جزیرهٔ مالدیو



به تاریخ ۳۰ و ۳۱ ثور سال جاری چهارمین "کنفرانس بین الافغانی صلح" در جزیرهٔ مالدیو در جنوب آسیا دایر گردید. در این کنفرانس حدود ۴۰ تن از شخصیت های سیاسی، فرهنگی، اعضای شورای ملی افغانستان، افرادی از احزاب سیاسی و شماری از ماموران بلندپایهٔ دولت حضور داشتند. اما همه اشتراک کنندگان چنین وانمود می کردند که در هر پست و موقفی که قرار دارند و به هر جناحی که وابسته هستند، در اینجا جمع شده اند، فقط به عنوان یک فرد و شخصیت مستقل تصمیم می گیرند و به خاطر آوردن صلح در کشور کار می کنند.

از جمله اشتراک کنندگان کنفرانس، آقایان همایون جریر داماد آقای حکمتیار، فیروز حکمتیار پسر گلبدین حکمتیار، جمعه خان همدرد والی پکتیا و مشاور رئیس جمهور، سید اکرام الدین معصومی سابق وزیر کار و امور اجتماعی، مولوی عطاء الله لودین، داکتر محمد انور، داکتر جلیل شمس، استاد مسعود استاد دانشگاه کابل، بودند.

در کنفرانس گفته شد که، آقای کرزی از برگزاری این نشست تشویش و نگرانی داشته است و به دو تن از اشتراک کنندگان تأکید ص۷

مجلس وحکومت:

راه به سوی بن بست






گزارشگر: عنایت

سکوت اعتراضی نمایندگان مردم در مجلس مبنی به عدم معرفی یازده عضو کابینه رئیس جمهور وارد دومین هفتهٔ خود شده است. نمایندگان معترض یک هفته پیش از آقای کرزی خواسته بودند برای جلو گیری از خلای قانونی اعضای متباقی کابینه خود را غرض کسب رأی به شورای ملی معرفی کند .

درهمین حال پارلمان افغانستان چندی پیش برای ریاست جمهوری فرصت داده بود تا ده روز دیگر اعضای کابینه خود را معرفی کنند. اما رئیس جمهور درآن وقت گفته بود به دلیل مصروفیت های بیش از حد وسفر متوقع به امریکا موضوع را به تأخیر انداخته است.

سفر رئیس جمهور دوهفته پیش به پایان رسید اما جانب حکومت برای به تعویق انداختن این موضوع ، دلایلی دیگری ازجمله تدویرنشست مشورتی صلح را عنوان می کنند.

نمایندگان مردم در شورای ملی به این باور اند تعیین اعضای متباقی کابینه در شرایط بحرانی افغانستان یک امر حیاتی به شمار می رود ومی تواند در پهلوی ارائه خدمتگذاری قانونمند با برخی چالش ها فایق آید.

آنها درپی این خواست شان که از سوی حکومت نا شنیده مانده است از یک هفته به این سو به رسم اعتراض در سکوت یا اعتصاب کاری به سر می برند.

در اواسط هفته گذشته حکومت هئیتی را غرض مذاکره وتفاهم به مجلس فرستاده بود اما نمایندگان مردم هئیت حکومت را نپذیرفتند وتأکید کردند که معرفی اعضای متباقی کابینه ایجاب تفاهم را نمی کند وباید از مجرای قانونی به آن توجه صورت گیرد

رحمن اوغلی نماینده ولایت فاریاب می گوید در برابر خود سری وخود کامگی های ارگ ریاست جمهوری اقدام به این روش شد و به آبرو وعزت نمایندگان مردم افغانستان است که به تحصن دموکراتیک واحتجاج مدنی شان ادامه بدهند.

اوغلی در ادامه افزود در تحصن نمایندگان مردم حتا وکلای دولتی هم شریک اند زیرا آنها می دانند که در برابر خواست قانونی نمی شود سرپیچی کرد وراه جز تسلیم شدن در برابر اعتراض های مدنی نیست، مگر این که مثل گدشته از بیت المال افغانستان چیزی برای شان داده شود واین اقدام مدنی شکسته شود.

سرورجوادی نماینده مردم بامیان می گوید، حکومت آقای کرزی درعدم معرفی کابنیه بهانه های واهی وتو خالی دارد ومفهوم این همه بهانه این است است که هر کسی را آقای کرزی بخواهد معرفی کند ولسی جرگه مکلف است که به آنها رأی اعتماد بدهد، درحالیکه، ولسی جرگه دیدگاه خود را دارد ومطابق قانون از صلاحیت های خود استفاده می کند. ونباید رئیس جمهور از اقدام شورای ملی بیم وهراس داشته باشد.

سرور جوادی حکومت افغانستان را یک حکومت ناقص می داند ومی گوید، عدم معرفی یازده عضو کابینه ، برخی اعضای داد گاه عالی، اعضای کمیسیون نظارت بر قانون اساسی این ها همه مسایلی اند که باید غرض اخذ رأی به شورا معرفی شوند،درغیر آن با این قانون شکنی ها نمی شود ادعای حکومت داری بهتر را نمود

در پاسخ به این سوال که اگر رئیس جمهور اعضای کابینه خود را معرفی نکند ومنتظر ص۶

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی...

وظیفه و مسؤولیت دولت افغانستان است تا از حقوق شهروندانش در داخل و خارج کشور حمایت و پاسداری کند. وضعیت حقوقی زندانیان و محکومان افغانستان در زندان های جمهوری اسلامی ایران را از راه دیپلوماتیک و قانونی با مقامات آن کشور بررسی نموده و با اتکا بر قوانین بین الملل و پیمان های دو جانبه تسلیم گرفتن اتباع زندانی افغانستان در ایران را مورد توجه قرار دهد.

اما هرگز نباید دولت افغانستان زمینهٔ این را فراهم آورد که با بهانه قرار دادن چنین رویدادهایی، دسته هایی به ایجاد بحران هایی تازه دست بزنند.قطعاً این گونه رویدادها مستمسکی برای دسته های مخالف حضور افغان ها در ایران به وجود خواهد آورد و آن را در جهت به تنگنا کشانیدن افغان های مقیم ایران و در نتیجه تیرگی روابط دو کشور به کار خواهند برد.

لهذا جمعیت اسلامی افغانستان ضمن این که از دولت جمهوری اسلامی افغانستان می خواهد در حمایت و پاسداری از حقوق شهروندان افغانستان و شفاف سازی پرونده های اتباع زندانی افغانستان در ایران جدیت لازم به خرج دهد، از آن می طلبد تا در بارهٔ دسته های فتنه جوی که می خواهند روابط دوستانهٔ دو ملت برادر و همسایه و هم کیش را برهم زنند هوشیار باشد و دست فتنه و شر آنان را کوتاه کند و از مسؤولان دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد که در برخورد با قضایای جرمی و جنایی شهروندان افغانستان از احتیاط لازم کار بگیرند و از تبیین و شفاف سازی چنین مواردی دریغ نکنند، تا حقی ضایع نشود و نیز زمینهٔ سوء تفاهم و سوء استفاده برای دسته ها و افراد فتنه جو و شرطلب در دو کشور برادر مهیا نگردد.

همچنان جمعیت اسلامی افغانستان لگدمال کردن پرچم جمهوری اسلامی ایران را که برآن لفظ جلاله (الله) رقم زده شده است نه تنها اهانت به یک دولت همسایه و برادر می داند بلکه آن را اهانت به محوری ترین اصل دیانت اسلام، توحید تلقی و آن را محکوم می کند، و از دولت جمهوری اسلامی افغانستان می خواهد که عاملان آن را مورد پی گرد قانونی قرار دهد تا در آتیه هیچ کسی جرأت توهین به مقدسات اسلامی را نداشته باشد.

دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان
کابل ۵ جوزای ۱۳۸۹